

کارگران سوسیالیست

شماره ۲۲

قیمت ۲۰ ریال نیمه دوم خرداد ۱۳۶۰

تظاهرات توده‌ای،
راه مراجعه به آرای عمومی



ص ۲

سعید سلطانپور
را آزاد کنید! ص ۶

شیوه‌های تشدید استنثار در جمهوری اسلامی ص ۲

خاطرات یک سرباز

(قسمت دوم) ص ۱

کارخانه دن با گستر:
نمونه‌ای از سیاستهای ضد کارگری کانون شوراهای اسلامی ص ۱

چرا اتحاد شوراها ص ۹

همبستگی انقلابی با کارگران لهستان ص ۱

پیشنهاداتی برای جلوگیری از
تعطیل مجتمع فولاد اهواز ص ۲

نقدی بر آئین نامه شوراها
مصوبه وزارت کار (قسمت اول) ص ۵

حداقل دستمزد، ۵/۳۶ تومان یا ۱۳۵ تومان در روز ص ۳

تظاهرات توده‌های، راه مراجعه به آرای عمومی

از طریق قانون اساسی جمهوری اسلامی قانونیت بخشیده است. به عبارت دیگر مراجعه به آرای عمومی با پذیرش قانون اساسی جمهوری اسلامی جور در نمی‌آید. مرکزی‌ترین مسئله‌ای که در مراجعه به آرای عمومی باید مطرح شود، الغای قانون اساسی جمهوری اسلامی است. شعار مرکزی تظاهرات توده‌های که بتواند خواست مردم را برای پایان داده به استبداد حاکم بیان کند، چیزی جز تشکیل مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی نمی‌تواند باشد.

رژیم جمهوری اسلامی از اولین روزهای پس از قیام بهمن ماه در راه سلب حاکمیت از مردم قدم برداشته است. خلع سلاح مردم اولین گام در راه سلب حاکمیت از مردم بود. تحصیل حجاب اجباری، استقرار دولت موقت انقلاب با برنامه‌های برخلاف خواست مردم، برگزاری فریاد مردمی جمهوری اسلامی، تهاجمات گسترده به دست آوردن‌های دموکراتیک قیام بهمن‌ماه سرکوب آزادی احزاب، مطبوعات، تجمعات، تظاهرات، اعتصابات، سرکوب ریحانیه، جنبش‌های ملیت‌ها، مستمده، تشکیل مجلس خبرگان، برگزاری فریاد مردمی قانون اساسی، اجرای ناپوشان عوامفریبانه و رسوای به اصطلاح ضد امپریالیستی "انقلاب فرهنگی"، "انقلاب اداری"، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، تشکیل کابینه مکنبی و... همه در خدمت سلب حاکمیت سیاسی از مردم و تحکیم استبداد روحانیت قرار داشته‌اند.

در سلب حاکمیت سیاسی از مردم بسیاری از مدعیان کنونی آزادی خواهی و طرفداران مراجعه به آرای عمومی سهیم و شریک هستند. زمانی که آقای بازرگان با جوع‌های گریه شیره‌ای سر مردم شیر می‌مالیدند، در راه تحکیم استبداد کوشش می‌کردند. آقای بنی‌صدر با شرکت در انتخابات ضد دموکراتیک ریاست جمهوری بدون اعتراض به حذف کاندیداهای دیگر از جمله مسعود رجوی در سلب حاکمیت سیاسی از مردم مسئول هستند. اما قضاوت ما برآنچه که افراد امروز می‌گویند و انجام می‌دهند متکی است و نه گذشته آنها.

امروز مراجعه به آرای عمومی از طریق گرد همایی و راهپیمایی‌های توده‌های ممکن است آقای بنی‌صدر اگر واقعا قصد مراجعه به آرای

خواهد شکست. چنین امری توده‌های مسردم زحمتکش را از نیروی عظیم خود آگاه خواهد کرد و آنها در مبارزه خود علیه استبداد حاکم اعتماد بنفس و روحیه بهتری خواهند داشت. نیروهای مختلفی تاکنون پیشنهاد مراجعه به آرای عمومی را از طریق برگزاری فریاد مردمی پیشنهاد کرده‌اند. اما مسئله اصلی این است که فریاد مردمی برای چه مسئله‌ای و چگونه باید برگزار شود. سیاستمداران به اصطلاح لیبرال سرمایه‌داری مانند ریاست جمهوری و نهضت آزادی، در پیشنهاد خود مبنی بر مراجعه به آرای عمومی چنداں جدی نیستند. آنها تنها زمانی که از یک سو موقعیت رژیم جمهوری اسلامی به دلیل بی‌اعتباری و ورشکستگی روحانیت حاکم متزلزل شده و از سوی دیگر موقعیت خود این آقایان در نتیجه کوشش‌های حزب حاکم در کسب کامل قدرت، به خطر افتاده است، از طریق طرح مسئله فریاد مردمی، بی‌اعتباری حزب حاکم را به رخ می‌کشند تا از این طریق بتوانند موقعیت متزلزل خود را تحکیم کنند. و زمانی که رشد جنبش توده‌های زنگ خطر سقوط کل رژیم را به صدا درمی‌آورد. خود در مقابل آن می‌ایستند. عقب نشینی بنی‌صدر در ضرورت موافقت مجلس شورای اسلامی جهت برگزاری فریاد مردمی، صحت این ادعا را اثبات می‌کند.

سازمان مجاهدین خلق از آیت‌الله خمینی تقاضا کرده‌اند که موافقت خود را با برگزاری فریاد مردمی اعلام کنند. اگر حتی فرض کنیم که جنبش فریاد مردمی برگزار شود، نتیجه فریاد مردمی که آیت‌الله خمینی فرا بخواند، آقای مهدوی‌کنی برگزار کند و سپاه پاسداران بر اجرای آن نظارت داشته باشد، از قبل روشن است. اما تحقق چنین امری واقعا بعید است. صرفنظر از این مسئله، شرایط امروز مبارزه قاطعانه علیه استبداد حاکم را طلب می‌کند و نه فشار گذاشتن بر روی آنها.

تا زمانی که چاق‌قداران حزب جمهوری اسلامی کلیه اهرم‌های قدرت دولتی را در دست دارند، مراجعه به آرای عمومی از طریق سندبند ها، رای ممکن نیست. مردم تنها از طریق برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات توده‌ها می‌توانند آرای خود را اعلام کنند. روحانیت حاکم بر سلب حاکمیت از مردم

برخلاف ادعای سردمداران مختلف حکومتی بحران سیاسی رژیم جمهوری اسلامی از دعوی دولتمداران ناشی نمی‌شود. ریشه این بحران را در بحران همه‌جانبه نظام سرمایه‌داری باید جستجو کرد. ورشکستگی سیاست‌های حزب حاکم جهت حفظ نظام بوسیده، سرمایه‌داری کاملاً آشکار شده است. نظامی که تورم لجام گسیخته، بیکاری گسترده، فقر عمومی و مصایب بی‌شمار دیگری برای توده‌های وسیع مردم به ارمغان آورده است. نارضایتی عمومی از مصایب ناشی از بحران نظام بوسیده، سرمایه‌داری هر روز عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود. هر روز بخش‌های وسیع‌تری از زحمتکشان رژیم حاکم را مسئول وضع فلاکت‌بار کنونی می‌دانند. تا زمانی که استبداد حاکم مانع از راه حل‌های انقلابی برای حل بحران نظام سرمایه‌داری است هیچ گونه امیدی در برابر چشم‌انداز فلاکت و فقر عمومی وجود ندارد. تنها مداخله مستقیم توده‌ها می‌تواند جامعه را از بن‌بست کنونی خارج کند.

توقیف روزنامه‌های "انقلاب اسلامی" و "میزان" توسط داوردسته، به اصطلاح "مکنبی" قدم دیگری در راه تحکیم سانسور و خفقان است. حزب جمهوری اسلامی حملات خود را در تظاهرات علیه "لیبرال‌ها" و در واقع علیه مردم هر روز گسترش می‌دهد. امروز مبارزه با کودتای داوردسته، به اصطلاح "مکنبی" که سرکوب زحمتکشان را هدف قرار داده است ضرورتی هرچه بیشتر پیدا کرده است.

مراجعه به آرای عمومی، صرفنظر از آنکه از طرف چه کسی مطرح شده است، اهمیت خود را در رابطه با حملات روزافزون هیات حاکم به حقوق زحمتکشان پیدا می‌کند. حزب جمهوری اسلامی و داوردسته‌های "مکنبیون" حملات خود را به حقوق زحمتکشان با تکیه بر قوانین به پیش می‌برند، که مدعیند مشروعیت این قوانین از توده‌ها ناشی می‌شود. مراجعه به آرای عمومی نشان خواهد داد که قانون آنها از کوچکترین مشروعیتی برخوردار نیست و توده‌های مردم خواستار پایان دادن به استبداد کنونی هستند.

رژیم جمهوری اسلامی بر عوامفریبی و سرکوب متکی است. مراجعه به آرای عمومی یکی از مهمترین پایه‌های حاکمیت روحانیت راد رهم

شیوه‌های تشدید استثمار در جمهوری اسلامی

سودی که نصیب سرمایه‌دار می‌شود و پسا از فروش کالا‌های تولید شده بدست می‌آید از کجا بوجود آمده است؟ این سود در واقع حاصل ارزشی است که کارگر در جریان تولید به کالا افزوده است و قیمتش به وی پرداخت نشده بلکه از وی غصب گردیده است. اما ببینیم چگونه این عمل انجام می‌گردد. این غصب در جریان تولید رخ می‌دهد. به این ترتیب سرمایه‌داران معادل ارزشی را که کارگر تولید کرده به وی نمی‌پردازند بلکه ارزش نیروی کار کارگر یعنی به اصطلاح پولی که برای زنده ماندن و تجدید دوباره نیروی کار کارگر لازم است به وی به عنوان دستمزد می‌پردازند تا کارگر بتواند با آن پول زنده بماند و دوباره به تولید بپردازد. پس از اینکه ماه تمام می‌شود پس‌انداز قابل‌ذکری هم برای کارگر باقی نمی‌ماند بلکه خستگی و عصبانیت، مرضی و هزار درد بی‌درمان برای وی باقی می‌ماند و همینطور زندگی پسا مشقت و رنج و تحلیل رفتن بنیه و جان کارگر سیری می‌شود. سؤال اینست که آیا واقعاً کارگر آنقدر که کار می‌کند و فلزات بی‌شکلی، نخ‌های پنبه درهم و یا مواد بی‌شکل را شکل می‌دهد و مورد استفاده می‌گرداند و پسا عبارت دیگر کالا تولید می‌کند دستمزد می‌گیرد؟ پاسخ منفی است. دستمزد کارگر اگر برابر ارزشی بود که وی به کالا می‌افزود دیگر سودی برای سرمایه‌دار باقی نمی‌ماند. درحالی که می‌بینیم چنین نیست. قضیه از این قرار است که اگر ساعات کار روزانه ۸ ساعت باشد کارگر مثلاً سه ساعت را در واقع صرف می‌کند تا قیمت نیروی کار خود را بدست بیاورد. یعنی همان به اصطلاح پولی که با آن می‌تواند زنده بماند. به عبارت دیگر این سه ساعت را کیار لازم می‌نامند یعنی کاری که کارگر لازم دارد. انجام دهد تا بتواند ما محتاج خود را تولید کند. اما پنج ساعت دیگر را که وی کار می‌کند دستمزدی دریافت نمی‌کند.

ارزشی که کارگر در این مدت به کالا می‌افزاید و تولید می‌کند به جیب سرمایه‌دار یا دولت سرمایه‌داری می‌رود. این بخش را کار اضافی می‌نامند و ارزشی که حاصل این کار اضافی است ارزش اضافه می‌نامند که سرمایه‌دار به اصطلاح مصادره می‌کند. سود سرمایه‌دار حاصل این ارزش اضافه است. پسه این علت است که می‌گوئیم این روابط استثمارگراانه است. حالا سرمایه‌دار برای استثمار بیشتر کارگر یعنی برای اینکه ارزش اضافه بیشتر و در نتیجه سود بیشتر بدست بیاورد پسه

شیوه‌ها و متفاوت متوسل می‌شود. افزایش ساعات کار: این شیوه موجب می‌شود که سود سرمایه‌دار افزایش بیابد و استثمار شدیدتر شود. مثلاً اگر ۸ ساعت کار به ده ساعت کار روزانه افزایش پیدا کند. در این حالت کارگر سه ساعت را برای تولید ارزش معادل ارزشی که وسایل معیشت وی دارد و به شکل دستمزد می‌تواند آنرا از بازار بخرد صرف می‌کند و هفت ساعت دیگر را ارزش اضافه تولید می‌کند که به جیب سرمایه‌دار می‌رود. سود سرمایه‌دار بیشتر می‌شود. زیرا در این حال کار مجانی از پنج ساعت به هفت ساعت افزایش یافته است. کارگران عموماً حاضر نیستند مثلاً ساعات کار بدون افزایش دستمزد افزایش پیدا کنند زیرا پس از مثلاً هشت ساعت دیگر قادر به کار کردن نیستند. اما سرمایه‌داران برای کسب سود اضافه کیاری را مانع می‌کنند و به ازاء اضافه کیار دستمزدی نیز می‌پردازند. اگر اضافه کاری سه ساعت باشد در این سه ساعت غالباً دو ساعت کار مجانی است. و یک ساعت کار لازمی است که کارگر باید برای تجدید نیروی کار خود برای سه ساعت تولید مصرف بکند. بهبود نیست که سرمایه‌داران اینقدر عجز به اضافه کاری دارند. زیرا که ارزش اضافی بیشتری تولید شده و به جیب سرمایه‌دار می‌رود. بنابراین در این حالت هم ساعات کار افزایش پیدا کرده است و از ۸ ساعت به یازده ساعت رسیده اما کار لازم چهار ساعت شده و کار اضافی ۶ ساعت. در نتیجه ارزش اضافی و در نتیجه سود بیشتر می‌شود.

افزایش سرعت خط تولید: این شیوه نیز سبب سود بیشتر برای سرمایه‌دار و استثمار بیشتر کارگر می‌شود. اگر سرعت کار افزایش یابد باید تعداد بیشتر و یا مقدار بیشتری کالا در همان مدت. زمان مثلاً هشت ساعت کار روزانه تولید می‌شود. در این حالت تولید از قبیل بیشتر می‌شود و انگار که ساعات کار بیشتر شده است. در این حالت مدت زمانی که کارگر برای تولید کالا به قیمت معادل قیمت وسایل معیشت برای تجدید نیروی کارش است وقت کمتری صرف می‌کند. اگر قبلاً در سه ساعت این هدف بدست می‌آمد اکنون مثلاً در دو ساعت و نیم محدود می‌شود و پنج ساعت و نیم بقیه را وی برای سرمایه‌دار مجانی کیار می‌کند. و لذا ارزشی که وی در این پنج ساعت و نیم تولید می‌کند واضح است که از پنج ساعت قبل بیشتر است و در نتیجه سود بیشتر می‌شود.

کاهش دستمزدها: این نیز شیوه دیگری برای استثمار بیشتر کارگران است. البته دستمزدها را سرمایه‌دار مستقیماً کاهش نمی‌دهد بلکه این عمل غیر مستقیم انجام می‌گیرد. بعضی وقت قیمت‌ها (هزینه‌های زندگی) افزایش می‌یابند. مثل اینست که دستمزدها کاهش یافته‌اند. در این حالت نیز ارزش اضافی بیشتر می‌شود.

در جمهوری اسلامی این شیوه‌ها پسه اشکال گوناگون و به نام‌های مختلف به اجرا در می‌آید. هدف کلیه سرمایه‌داران، کارفرمایان مدبران و رئیس و بالاخره دولت جمهوری اسلامی اینست که از طریق افزایش کار اضافی ارزش اضافی بیشتری را به جیب بزنند و بنابراین استثمار را به اجزا گوناگون شدیدتر کند. مثلاً جلوگیری از افزایش دستمزدها درحالی که قیمت‌ها محتاج زندگی به هزار برابر افزایش یافته است. تحمیل اضافه کاری، قطع سود ویژه که جزئی از دستمزد کارگران بود، استخدام در رنج و روزمزدی که مشمول سود و پسه می‌دهد و دیگر مراه می‌شود. مثلاً دولت استخدام‌ها را سرریس را تحت عنوان ۵ درصدی ما بطور متاطعه‌ای به اجرا درآورده است. پس از دو یا چند ساعت استثمار بهرحاله و غیر انسانی روزمزدی‌ها را اخراج می‌کنند. بعضی بیشترین دستمزدها از حد متوسط اجتماعی می‌باشد پاشین تر بوده و این به معنی اینست که نیروی کار از زمان سر شده و بنابراین ارزش کالای تولید شده حاوی ارزش اضافه بیشتری است. بدین معنی که اگر قیمت نیروی کار دستمزد و مواد مصرف شده و وسائل تولید مستهلک شده را از قیمت کالا کم کنیم سود بیشتر باقی می‌ماند. به عبارت روشن‌تر اگر ارزش کالا را از ارزش نیروی کار و ارزش وسائل مصرف و مواد اولیه مستعمل کم کنیم آنچه باقی می‌ماند ارزش اضافه‌ای است که سرمایه‌دار به جیب می‌زند. بیشتر و بیشتر می‌گردد. بهرحال دو نمونه از شیوه افزایش استثمار در رژیم جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار بدیم و اکتفا به روشن‌تر می‌شود.

فرقه زیبا

کارفرمایان شورایی قلابی اسلامی و دولت جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند تا به وسیله کارخان به اصطلاح تکنولوژی کاری را پسه

شیوه‌های تشدید ...

اجرا بگذارند . یعنی براساس مقدار تولید دستمزد بدهند . این شیوه در جهت افزایش استثمار ، کاهش نسبی دستمزد و لذا فقر و فلاکت بیشتر است . اما چرا مدبریست به چنین شیوه‌ای متوسل شده است ؟ بدلیل اینکه می‌خواهد سود بیشتری را بدست بیاورد . در این کارخانه ماشین‌ها فرسوده‌اند و عمرشان به سر رسیده است . کارفرما در این مدت ارزش دستگاه‌ها را یا به اصطلاح پول آنها را در عرض سال‌ها استعمال بدست آورده است و اکنون وقت آنست که ماشین‌های کهنه را با ماشین‌های جدید تعویض بکند . اما وی به دلایلی حاضر نیست این کار را بکند .

از اینرو می‌خواهد از کارگران بجای ماشین استفاده بکند و به این دلیل "کیلویی کاری" را پیشنهاد می‌نماید تا جبران کند و بد کار کردن ماشین‌ها را بکند . وی نه تنها دستمزدها را بالا نمی‌برد بلکه به این وسیله دستمزدها را پائین می‌آورد زیرا به نسبت کار بیشتر همان دستمزد قبل را می‌برد از دهنگامی که دستگاه‌ها فرسوده‌اند و دیگر باید از تولید خارج بشوند . زیرا ارزش مصرفی موثر خود را از دست داده‌اند . این شیوه را سرمایه‌دار مورد استفاده قرار می‌دهد . فرسودگی دستگاه‌ها از یک سو مانع سریع کردن سرعت دستگاه‌ها می‌گردد . زیرا خرابی مانع است . فرضاً شیطان دستگاه سوخته و سرعت زیاد موجب سوختن پنبه‌ها و آتش گرفتن ابزار و ماشین‌ها می‌شود . بنابراین سرمایه‌دار نمی‌تواند برای کسب سود به این کار مبادرت کند . از طرف دیگر افزایش مستقیم و مطلق ساعات کار نیز با مقاومت کارگران مواجه می‌گردد . لذا وی با علم به این موضوع به حيله جدیدی متوسل می‌شود و آنهم اینست که دستمزد را بر حسب قطعه کاری و یا کیلویی می‌پردازد . مثلاً در ازای هر یک کیلو که بیشتر از یک حد اقل (فرضاً ۵۲ کیلو) تولید بشود فلان قدر پرداخت می‌گردد .

در این صورت با توجه به خرابی دستگاه‌ها تولید نه تنها افزایش نمی‌یابد بلکه اگر کارگر شانس بیاورد و کوشش خود را صدچندان کند آنوقت تولید به سطح سابق می‌رسد . اما معمولاً تولید با تمام این احوال از سابق کمتر بوده و لذا کارگران چیزی هم مقروض می‌شوند . بهر صورت استثمار شدیدتر شده است . زیرا با کار بیشتر همان دستمزد سابق را می‌گیرند . در حالی که می‌دانیم تورم و افزایش هزینه‌های زندگی سر به آسمان برداشته و تورم از حد درجه نیز بیشتر است . اما دولت و سرمایه‌دار

قرقره زیبا نیست که به چنین شیوه‌هایی متوسل می‌شوند . قبلاً در ایران ناسیونالیوری - اوراک آنرا سعی کردند به اجرا بگذارند که با مقاومت و اعتراض کارگران مواجه شدند . نرخ قطعه کاری در این کارخانه‌ها با تغییر خط تولید و تولید قطعه‌های بزرگتر (تولید اتونوس بجای بیگان در ایران ناسیونال و تولید باطری‌های بزرگ به جای باطری‌های کوچک در ری - اوراک) ثابت بود و به ازای کار بیشتر تعداد قطعه‌ها کمتر می‌شد زیرا قطعه‌ها بزرگتر می‌شوند . اما دستمزدها با تهدید کاهش سرسام‌آور مواجه می‌شد .

تولید دارو

در کارخانه تولید دارو تشدید استثمار کارگران به نحو دیگری جریان دارد . البته صرفاً محدود به این کارخانه نیز نیست . در هزاران کارخانه دیگر همین شیوه را بکار می‌گیرند . این شیوه اینست که مدبریت استخدام رسمی نکرده بلکه بطور روزمزد استخدام می‌نماید و پس از دو ماه اخراج می‌کند . به این ترتیب اول اینکه سطح دستمزدها علیرغم افزایش سرسام‌آور هزینه زندگی ثابت نگه داشته می‌شود . دوم اینکه سود ویژه و دیگر مزایای که جزئی از دستمزد است . شامل حال این دسته نمی‌گردد . سوم اینکه مدبریت اتحاد کارگران را تضعیف می‌کند . بدین معنی که مدام کارگران عوض می‌شوند . چهارم اینکه با توسل به این حربه که می‌تواند کارگرانی را که در جستجوی کارند در هر لحظه که بخواهد به جای کارگرانی که اعتصاب می‌کنند بگمارد . پنجم اینکه این عده از کارگران تامين اجتماعی ندارند . نتیجه اینکه استثمار بیرحمانه از طریق دزدیدن از

دستمزد متوسط کارگران تحقق می‌پذیرد . فراتر از این ، مدبریت حتی قدمی جلوتر گذاشته و سود ویژه سال گذشته (برابری دو ماه) را که سال قبل کارگران گرفتند ، اکنون از آنان بازپس گرفته می‌شود و هر ماه دو بیست تومان از دستمزدشان کسر می‌گردد تا به اصطلاح بدهی شان به کارفرما تمام بشود . این شیوه‌ها این است که سرمایه‌داران در رژیم جمهوری اسلامی و به کمک دولت سرمایه‌داران برای تشدید استثمار به آن دست می‌زنند . پاسداران ، کمیته‌ها ، ارتش آیت‌الله خمینی ، سرمایه‌داران ، وزارت کار و خلاصه همه کمر همت بسته‌اند و دست در دست یکدیگر داده‌اند تا کارگران را بطور بیرحمانه و تحت لوای اسلام استثمار بکنند .

این حق کارگران است که بر روی ماشین آلات سالم کار بکنند . کارفرما موظف است ماشین آلات کهنه را یا نو تعویض کند . استخدام رسمی کارگران روزمزد باید فوراً عملی بشود . دستمزدها همراه با افزایش قیمت‌ها بالا برود . ۲۰۰ ساعت کار و دو روز تعطیلی در هفته و استخدام رسمی کارگران بیشتر باید اجرا بشود . دفاتر ورود و خروج کارخانه برای کلیه کارگران باز بشود تا معلوم گردد که چه سودهای کلانی از این استثمارهای بیرحمانه به جیب مدبران ، کارفرمایان و دولت جمهوری اسلامی می‌رود و بدین ترتیب دلایل فقر ، فلاکت کارگران برای همه روشن بشود .

جهت تحقق خواست‌های فوق تنها اتحاد کارگران در شورا‌های واقعی است که بیروزی و مبارزه علیه اجحافات و تشدید استثمار را تضمین می‌کند . لذا باید مجمع عمومی تشکیلی شده و نمایندگان واقعی که نمایانگر خواستهای واقعی کارگران هستند تشکیل بشود .

چه باید کرد

پیش به سوی اتحاد سوسیالیستی شوراهای زحمتکشان!
برای تشکیل مجلس مؤسسان دموراتیو و انتخاباتی!
زنده باد حکومت کارگران و دهقانان!

دوره سوم - شماره

صدای حزب کارگران سوسیالیست

چه باید کرد را بخوانید :

به پیشوایان واقعی و رهبران سیاسی کلیه زحمتکشان مبدل شوند . اما برای این کار می‌باید هم با مسائل صنفی و سیاسی خود و هم به کلیه مشکلات و مبارزات دیگر زحمتکشان و ستمدیدگان آشنا شوند . نشریه چه باید کرد در خدمت چنین هدفی قرار دارد . ما خواندن این نشریه را به کلیه کارگران تقاضای توصیه می‌کنیم .

کارگران مبارز برای آشنا شدن به مسائل سیاسی جامعه که زندگی توده کارگران ، دهقانان ، سربازان ، دانش آموزان و دانشجویان ، کسبه و پیشه‌وران تهیستان شهری ، زنان و ملیت‌های ستمدیده را در بر می‌گیرد ، در سطح وسیع جامع‌تری نیاز به یک نشریه سرمایه‌داری سیاسی و تحلیلی دارند . کارگران می‌بایست

نقدی بر "آئین نامه شوراهای" مصوبه وزارت کار

۱

بهار اسال همزمان است با تجدید انتخابات شوراهای کارگری در اکثر واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی در ایران. یکی از ویژگی های انتخابات شورایی اسال، در تائید جدیدی است که هیات حاکم در قبال شوراهای اتخاذ نموده است. نمایندگان وزارت کار به کارخانه های متعددی رجوع می کنند و از کارگران می خواهند که شورای جدید خود را بر اساس لایحه قانونی تشکیل شوراهای کارکنان مصوبه شورای انقلاب و "آئین نامه شوراهای اسلامی کارکنان" که به استناد قانون مزبور در مرداد ماه سال ۵۹ توسط شورای عالی کار تصویب شده است، انتخاب نمایند.

بدون شك، تائید "قانونی" و "آئین نامه ای" وزارت کار در قبال شوراهای امری تصادفی نیست. این اقدام وزارت کار این واقعیت را نشان می دهد که فرامین حکومت موقت و فتوای آیت عظام بمنظور انحلال شوراهای چون و جرای شوراهای به سنت خورد مانده؛ پیشنهادات سندیکالیستی فروهر و شرکات از لیبرال اش بی نتیجه ماند ماند؛ قانون های از بالا ساخته شده و وابسته به دولت نظیر "قانون هماهنگی شوراهای اسلامی" مستقر در خانه کارگر و "قانون شوراهای اسلامی" مستقر در پلی تکنیک در انتظار کارگران بی اعتبار شده اند؛ سیاست سرکوبگر سپاه پاسداران در قبال کارگران و بیگرد و دستگیری اعضای مبارز شوراهای نتوانسته جلو حرکت نهضت شورایی را بگیرند؛ ماهیت انجمن های اسلامی در کارخانه ها که با دست حزب جمهوری اسلامی و جناح حاکم ساخته شدند برهلا شده اند و البته توطئه های نفاق افکنانه مدبران دولتی و سرمایه داران "مسلمان و متعهد" هم با شکست روبرو گردیده اند. بنابراین سیاست جدید وزارت کار همان ادامه منطقی سیاستهای گذشته هیات حاکم است. هیات حاکم که هدف تضعیف و سرکوب نهضت شورایی و جنبش کنترل کارگری را در سر می پروراند، این بار برچشم ایجاد شوراهای قانونی مبتنی بر آئین نامه مصوبه شورای عالی کار را در دست نمایندگان وزارت کار نهاده و آنها را در حالی که سپاهیان پاسدار از پشت سر مشایعت شان می نمایند روانه کارخانه ها نموده است.

تدوین آئین نامه شوراهای کارگری، وظیفه خود کارگهران است. کارگران مبارز می بایست

آئین نامه تحمیلی وزارت کار را در جلسه شوراهای، در مجمع موسس کارخانه، در هسته های سوسیالیستی کارخانه مورد نقد و بررسی قرار دهند و از طریق مبارزه برای اتحاد شوراهای برگزاری گرد همایی های شوراهای صنایع مشابه، کنفرانس های شهری و کنگره های سراسری شوراهای، آئین نامه انقلابی خود را تدوین و آنرا در برابر آئین نامه ضد انقلابی وزارت کار قرار دهند.

در همین رابطه، نشریه کارگران سوسیالیست وظیفه خود می داند که در این شماره و در شماره های آینده به نقد و بررسی ماده به ماده و تبصره به تبصره آئین نامه وزارت کار بپردازد و اصول و موازین صحیح شورایی را که نیازهای جنبش کارگری و انقلاب کمونی طلب می کند - تا حد امکان مطرح نماید.

آئین نامه تحمیلی وزارت کار جنبش شروع می شود:

ماده ۱- شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی که در این آئین نامه شورا نامیده خواهد شد به ترتیب زیر تشکیل می گردند:

ماده ۲- ابتدا هیات بنام هیات موسس مرکب از حداقل ۳ نفر از کارکنان مورد اعتماد و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران که مورد تائید حداقل ده درصد کارکنان واحد مربوطه می باشند تشکیل می گردد و وظایف خود را مطابق این آئین نامه انجام خواهند داد.

کلمه "کارکنان" در این آئین نامه، طیف وسیعی را در بر می گیرد که از "کارگر ساده تا مدیر" را شامل می گردد. شماره های آینده در خصوص این مورد صحبت خواهیم کرد. در ماده ۲ آئین نامه، از تشکیل هیات بنام "هیات موسس" صحبت می شود که وظیفه دارد تدارکات لازم را برای ایجاد شورا بعمل آورد. اولین سئوالی که به ذهن هر کارگر مبارز خطور خواهد کرد، اینست که هدف حضرات وزارت کار از تشکیل "هیات موسس" واقعا چه چیزی است؟

کارگران مبارز از خود خواهند پرسید: مگر نه اینکه اکنون سه سال از قیام بهمن ۵۷ می گذرد؟ مگر در این مدت شوراهای کارخانه ایجاد نشده اند؟ مگر نه اینکه در اکثر کارخانه ها بطور متوسط دو تا سه بار شوراهای

منحل و شوراهای جدید انتخاب شده اند؟ اگر چنین است - که هست - مگر همان شوراهای موجود نمی توانند نقش هیات موسس را برای تهیه تدارکات لازم بمنظور ایجاد شوراهای جدید فراهم نمایند؟ بخصوص اینکه شوراهای منتخب موجود از رای و اعتماد بیشتری برخوردارند تا "هیات موسس مرکب از ۳ نفر از کارکنان" که مورد تائید حداقل ده درصد از کارکنان واحد مربوطه می باشند. حتی در مواردی که شوراهای موجود به خاطر سازشکاری های گذشته خود از اعتبار قابل توجهی در نزد کارگران برخوردار نیستند، در آن صورت چرا نباید وظیفه ایجاد شوراهای را بعهده جبهه واحدی از کارگران مبارز قرار داد؟ ۴- سال تاریخچه نهضت شوراهای کارگری، در ایران به خوبی نشان می دهد که ابتکار لازم برای ایجاد شوراهای در دست جبهه واحد انقلابی وجود داشت که بین کارگران مبارز هر کارخانه بسته شد.

وزارت کار سرمایه داران بنا به ماهیت خود حق دارد نسبت به سیر پیدایش و گسترش شوراهای کارخانه بی توجه باشد، اما چنین کاری نزد کارگران مبارز جایز نیست. هر کارگر مبارزی به خوبی می داند که شوراهای موجود کارخانه ها که از بعد از قیام بهمن ظاهر شده اند ادامه کمیته های اعتصاب قبل از قیام می باشند. کدام هیات موسس بود که کمیته اعتصاب نفتگران جنوب را در آبان ۵۷ پایه گذاشت؟ کدام هیات موسس بود که در دوره بعد از قیام ابتدا کمیته راما اندازی تولید و سپس اولین شورای کارگری کارخانه مربوط به خود را پایه گذاری کرد؟ تاریخ جنبش کارگری ایران طی ۴ سال گذشته به روشنی نشان می دهد که هیات موسس شوراهای کارگران چیزی به جز جبهه واحدی از کارگران مبارز مسلمان، مسیحی، آسوری، بهایی، مجاهد، سوسیالیست و غیره نبوده است.

اما آئین نامه مزبور بجای ایجاد جبهه واحد کارگران مبارز که لازمه ایجاد شوراهای واقعی و آزاد کارگران می باشد، چیز دیگری را در مد نظر دارد. هیات موسس مورد نظر آنها متشکل از "حداقل ۳ نفر از کارکنان مورد اعتماد و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران" است که مورد تائید حداقل ده درصد کارکنان واحد مربوطه می باشند و - بقیه در صفحه ۶

تظاهرات توده‌ای

عمومی دارند باید چنین راهبیمایی را در ظرف هفته آینده فرا بخوانند و برای برگزاری آن مبارزه کنند.

مجاهدین خلق هم نیز اگر همانطور که می‌گویند خواستار مراجعه به آرای عمومی هستند، چرا اینکار را به "ولی فقیه" که خود سبیل استبداد روحانیت و سلب حاکمیت از مردم است رجوع می‌دهند؟ مجاهدین خلق بجای پذیرفتن "ولایت فقیه" باید برای برگزاری یک تظاهرات توده‌ای علیه استبداد حاکم مبارزه کنند. تظاهراتی که تمام کسانی که خواستار سقوط ارتجاع حاکم هستند بتوانند با شرکت در آن اراده خود را بیان کنند.

برگزاری موفقیت آمیز تظاهرات توده‌ای، علیه رژیم جماعت‌آوران، تظاهراتی که بتواند به معنی واقعی مراجعه به آرای عمومی محسوب شود، تدارک قبلی چنین تظاهراتی را از جانب نیروهای که خواستار برگزاری آن هستند ضروری می‌سازد. باید کارگران بتوانند در کف کارخانه‌ها، در مجامع عمومی شوراها، خود مسایل مبارزه علیه استبداد سرمایه‌داری روحانی سالار را به بحث و تبادل نظر بگذارند. باید کارگران مبارز بتوانند در کف کارخانه‌ها برای برگزاری تظاهرات توده‌ای تهییج و تبلیغ کنند. تظاهرات توده‌ای همراه با اعتصاب عمومی کارگران، رای کارگران و زحمتکشان جامعه سوسیالیست حاکمیت روحانیت و برای مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی خواهد بود.

سعید سلطانپور را آزاد کنید!

سعید سلطانپور - شاعر، نمایشنامه‌نویس و نویسنده، مبارز و عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران - مدت‌هاست در زندان جمهوری اسلامی پسر می‌برد.

این اولین بار نیست که سلطانپور روانه زندان شده است. در دوران رژیم گذشته نیز ایشان همواره تحت پیگرد و آزار و اذیت واقع گردیده و حتی برای مدتی هم دستگیر و مورد شکنجه بدنی قرار گرفت. رژیم اسلام که استبداد دینی را با استبداد شاهانه و نظام استثمارگر سرمایه‌داری درهم آمیخته دشمن قسم خورده، علم و ادب و مخالف سرسخت آزادی عقیده، بیان، قلم و نگارش است. دانشگاه‌ها، مراکز عالی تعلیم و تربیت، کانون نویسندگان، انجمن‌های موسیقی، نشریات آزاد، انتشارات گوناگون، شکوفایی نژاد انسانی و پرورش فرهنگ مدرن در نظامی گسسته حاکمیت آن در دست روحانیون متحجر و مرتجع و قوانین آن بر پایه قانون اساسی خیرگان و لایحه قصاص شورای عالی قضایی استوارند. معنا و مفهوس ندارند. در حکومت اسلامی جایی برای تجلی آزادانه تفکر انسانی و حاکمیت کارگران و ستمدیدگان وجود ندارد.

دستگیری سلطانپور به منزله قدمی در تحکیم استبداد کنونی و حمله‌ای جدی به آزادی‌های دموکراتیک و حقوق سیاسی کارگران و زحمتکشان محسوب می‌شود. طبقه کارگر - به مناسبت قهرمان دموکراسی - نمی‌تواند نسبت به

نشریه کارگران سوسیالیست، ضمن محکوم کردن هیات حاکم سرمایه‌داری، و به منظور دفاع از دموکراسی و سوسیالیسم، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط سعید سلطانپور می‌باشد و از کلیه کارگران مبارز و تمامی کارگران سوسیالیست تقاضا می‌نماید تا مسئله دفاع از سلطانپور را در مجامع عمومی کارگران در کارخانه‌ها و ادارات، در جلسات شوراها، کارگری و در محافل کارگران بیشتر از به بحث بگذارند و مجدداً آزادی ایشان را طلب نمایند.

توضیح: نشریه کارگران سوسیالیست حدود دو هفته دیرتر بدست شما خوانندگان عزیز می‌رسد. این تاخیر بخاطر محدودیت‌های روزافزونی است که رژیم کنونی بر سر راه چاپ و پخش نشریات آزاد قرار داده است. این امر مشکلات فراوانی برای ما بوجود آورد. امید داریم با پشتیبانی شما مشکلات موجود هرچه زودتر برطرف شوند.

در کارخانه بنا بر این شوراها می‌که این گونه افراد نقش هیات موسس آنها می‌کنند نمی‌توانند مدافع منافع کارگران باشند و در نهایت باز بجای در دست کارفرمایان، وزارت کار و هیات حاکم خواهند بود.

بعلاوه در آئین نامه، چیزی در مورد عدم امکان کاندیداتوری اعضای هیات موسس برای انتخاب در شورای کارخانه قید نشده است. بنا بر این آقایان هیات موسس ضمن اینکه کلیه رشته‌های کار و امکانات تبلیغی را در دست دارند می‌توانند خود را کاندید نمایند و نمایندگی در شورا بنمایند و صد البته با استفاده از هزار دوز و کلاه و صدها محدودیت غیر دموکراتیک پیروزی انتخاباتی خود را پیش‌بینی کرده‌اند.

در ضمن از آنجایی که کل تعداد اعضای اصلی شورای کارخانه از ۹ نفر تجاوز نمی‌کند، لذا حداقل ۳ نفر از کارکنان مورد اعتماد کارفرما و وزارت کار و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی بر احوالی در شوراها نفوذ خواهند نمود. ادامه دارد.

مبانی جمهوری اسلامی یعنی مجلس شورایی اسلامی، یعنی شورای نگهبان، یعنی کمیته‌های امام، دادگاه‌های انقلاب خلخالسی، سپاه پاسداران، شورای عالی قضایی، لایحه قصاص، قانون اساسی خیرگان، لغو سود و بهره، کاهش حداقل دستمزد و تثبیت دستمزد‌ها، افزایش ساعات کار و غیره و غیره بخشی از مبانی تفکیک ناپذیر جمهوری اسلامی سرمایه‌داران محسوب می‌شوند.

بنابراین کدامین "حداقل ۳ نفر از کارکنان" وجود دارند که هم مدافع شوراها می‌کارگری‌اند و هم پشتیبان شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، شورای فقیه، شورای عالی قضایی؟ کدام "هیات موسس" است که هم در آن واحد خواستار ایجاد شوراها می‌واقعی است و هم به مبانی جمهوری اسلامی که سرکوب کارگران توسط سپاه پاسداران را در بردارد معتقد و مؤمن است؟ در نتیجه بهترین کاندیدها برای شرکت در هیات موسس، یا می‌توانند گردانندگان انجمن‌ها و اسلامی باشند، یا عناصر مرتجع افتاده و مرتجع کارگر و یا عوامل کارفرمایان

پیشنهاداتی برای جلوگیری از تعطیل مجتمع فولاد اهواز

بود - امروز نیز نه تنها فولاد کاران بلکه کلیه کارگران و زحمتکشان ایران به پشتیبانی نفتگران نیاز دارند - کارگران مجتمع فولاد اهواز می‌بایست کسب پشتیبانی نفتگران اهواز را در دستور کار خود قرار دهند -

شورای هماهنگی صنعت فولاد با حمایت اعضای شورای سابق صنعت نفت و دیگر کارگران مبارز می‌توانند به سمت برگزاری کنگره‌های کارگران اهواز به پیش بروند - سرنوشت مجتمع فولاد باید توسط اتحاد شوراهای کارگران تعیین شود - در غیر این صورت هیات حاکم آنرا به قبه خانه خرابی کارگران و فروپاشی اقتصاد حل خواهد نمود - کارگران و زحمتکشان اهواز، مبارزات کارگران مجتمع فولاد، مبارزات شماست، از آنها حمایت کنید!

عدمای از

کارگران سوسیالیست مجتمع فولاد اهواز

سرپرستی شرکت ملی فولاد ایران قرار دارند - بنا بر این شوراهای داخلی و شورای مرکزی مجتمع باید با شورای مرکزی کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران که مقر آن در زیتون کارندی قرار دارد تماس حاصل کنند و برای ایجاد شورای هماهنگی صنعت فولاد در اهواز مبارزه کنند - پشتیبانی سیاسی شورای گروه ملی صنعتی فولاد امروزه بیک ضرورت می‌رسد - شورای هماهنگی صنعت فولاد در اهواز می‌تواند پیشنهاداتی را در امر تبدیل خط تولید در مجتمع فولاد ارائه نماید و به این ترتیب مونتاژ و تولید را به راه بیاورد - در جلسات شورای هماهنگی صنعت فولاد در اهواز باید از اعضای شورای مرکزی صنعت نفت که طی مرداد سال ۵۹ بطور غیرقانونی از جانب امام جمعه و دادستانی انقلاب منحل شد، دعوت بعمل آید - اهواز می‌باید نفتگران انقلابی ایران است - بدون مبارزات نفتگران اهواز سرنگونی رژیم خونین شاه غیرممکن

هیات حاکم سرمایه‌داری ایران دست به اخراج عده وسیعی از کارگران صنایع فولاد اهواز زده است و برای تعطیل کامل مجتمع عظیم فولاد اهواز تدارک می‌بیند - اگر در این کار موفق شود توده وسیعی از کارگران از کار و معاش محروم خواهند شد و لطمه بزرگی به اقتصاد اهواز و ایران وارد خواهد آمد - شرکت ملی فولاد ایران که سرپرستی مجتمع فولاد اهواز گروه ملی صنعتی فولاد ایران - اهواز (گروه صنعتی شهریار سابق)، ذوب آهن اصفهان و دیگر بخش‌های تولید فولاد را بعهده دارد تاکنون هیچ گونه دلیل موجهی را برای اقدامات ضد کارگری و ضد انقلابی خود ارائه ننموده است - این در شرایطی است که جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق همچنان ادامه دارد و امپریالیسم آمریکا همچنان به انواع و اقسام فشارهای سیاسی و اقتصادی خود علیه انقلاب ایران ادامه می‌دهد -

رژیم که دم از افزایش تولید، قطع وابستگی و کسب خودکفایی اقتصادی می‌زد ما است، امروز با این کار ضربه بزرگی به فولاد کاران و صنعت فولاد وارد می‌آورد - کارگران صنایع فولاد می‌باید قاطعانه در مقابل چنین اقداماتی مقاومت نمایند - لازم است که شوراهای کارگری قسمت‌های متفاوت مجتمع هرچه زودتر ایجاد شوند و متعاقباً شورای مرکزی کارگران مجتمع فولاد را بسازند - شوراهای قسمت‌ها و شورای مرکزی باید از طریق فراخواندن مجامع عمومی مستحکم کارگران در حالت بسیج نگه دارند و مبارزات آنان را رهبری کنند - کلیه کارگران اخراجی باید سرکار بازگردند و حقوق عقب افتاده آنان پرداخت گردد - به سیاست اخراج باید خاتمه داده شود و مونتاژ و تولید از سر گرفته شود - اگر کارفرما ادعا می‌کند که ادامه کار سودآور و مقرون بصرفه نیست باید شوراها تقاضا کنند که دفاتر دخل و خرج و اسرار معاملاتی، قراردادها و سایر اسناد بین‌المللی شرکت در مجامع عمومی کارگران در جلسات شوراهای قسمتی و شورای مرکزی باز و افشا شوند - کارگران مجتمع فولاد مسئول بی‌نیافتی هیات حاکم و بحران‌های سرمایه‌داری نیستند - اگر به اصطلاح یا کمبود بودجه روبرو هستند باید بودجه‌های هنگفتی که در خدمت ارگان‌های زائد و سرکوبگر دولت قرار دارند ملغی شوند - تا زمانی که دولت قادر به رماندازی مونتاژ و تولید نیست می‌باید حقوق کارگران بدون کم و کاست همچنان پرداخت گردد -

کارگران مجتمع فولاد برای پیشبرد مبارزات حقانی خود نمی‌توانند به محدوده مجتمع خود اکتفا کنند - بنقد در اهواز دیگر مراکز تولید فولاد وجود دارند که در بیشتر موارد تحت

نمونه‌هایی از سیاست "خودکفایی اقتصادی" دولت در اهواز

نابغه‌های جمهوری اسلامی با طرح چنین پروژهای برای آینده، اقتصاد مملکت را به ورطه نابودی به معنای دقیق کلمه می‌کشاند - اما با این چنین برنامه‌ای نه تنها اقتصاد ایران "خردگنا" نخواهد شد بلکه دود چندان وابسته تر خواهد شد -

نیروگاه رامین: پروژه نیروگاه رامین هنوز بطور کامل به اتمام نرسیده است - این نیروگاه زیر نظر متخصصین شوروی قرار دارد - تنها بخش کوچکی از این نیروگاه که در حال بهره برداری است، درصد قابل توجهی از برق شبکه سراسری ایران را تامین می‌کند - اگر این پروژه بطور کامل تکمیل شود و بهره‌برداری از آن آغاز شود، بدون شک بخش اعظمی از شهرها و روستاهای کشور را از نظر برق تامین خواهد کرد -

اقتصاد دانان "مستقل" رژیم جمهوری اسلامی به بهانه "موقعیت جنگی" از پرداخت هشت ماه حقوق کارکنان سرباز زد ماند! هر چند کشورهای امپریالیستی مشمول "موقعیت جنگی" نشدند و دولت مکتبی حق الحساب آنها را تا دینار آخر پرداخته است!

این نیروگاه به سرنوشت صنایع بالا دچار گشته است! مدتی پیش چند تن از کارکنان مبارز را اخراج کردند - و حالا هم هیات حاکم به اصطلاح مدافع استقلال سیاسی و بسط اصطلاح خود کفایی اقتصادی بطور یکجای کلیه کارکنان واحد مزبور را اخراج کردند و درب این نیروگاه عظیم را برای همیشه به روی مردم بستند -

دو سال است که دولت سرمایه‌داری ورشکسته کنونی با بوق و کرنا توسط رادیو تلویزیون، روزنامه‌ها، مجامع عمومی و ... جماعتی سیاست "خودکفایی اقتصادی" را بر سر مردم فرو می‌آورد - هر آدم ساده لوحی که کمترین آشنایی با دوزخگانه‌های این سرمایه‌داران مکتبی آشنایی داشته باشد، به آسانی متوجه می‌شود که دیگر حقایق "خودکفایی اقتصادی" مکتبیون حلال خور رنگی ندارد -

صنایع فولاد (فاسترویلر - تهران جنوب) بالاخره هیات حاکم "ضد امپریالیست" سراز دو سال سرکوبی کارگران صنایع فولاد، این عظیم ترین پروژه تولید فولاد و مدرن ترین نوع تهیه فولاد در ایران را حدود دو هفته پیش تعطیل کردند - تعطیل و اخراج دوازده هزار کارگر صنایع فولاد خطری جدی و اساسی برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود - چراکه با این عمل، ضربه‌ای مهلک بر رشد و گسترش نیروهای مولده و تولیدی در ایران وارد می‌آورد -

گروه ملی صنعتی فولاد: نوابغ جمهوری اسلامی اخیراً به این فکر افتادند که بجای رماندازی تولید فولاد در هفت کارخانه این مجتمع معظم، مقدار شصت تن فولاد از کشورهای شوروی وارد کنند - و این مجتمع عظیم که حدود سه هزار کارگر در آن کار می‌کنند و هم‌اکنون رکن اساسی در تهیه فولاد در ایران است، تبدیل به یک شرکت واسطه‌ای شود - به عبارت دیگر، این مجتمع نقش تجار محتوم برای وارد کردن فولاد از شوروی را بازی کند -

همبستگی انقلابی با کارگران لهستان

اگر شوراهای کارخانه در ایران خواست تفکیک مذہب از شوراهای کارگری را مطرح کنند و خواستار ایجاد شوراهای کارگری آزاد از دولت و مستقل از حزب جمهوری اسلامی و کلیه احزاب دیگر را در دستور کار خود قرار دهند، در آن صورت کارگران لهستانی در جبهه نبرد برای ایجاد سند پکای آزاد خود، تنها نخواهند بود.

اگر شوراهای کارخانه در ایران، درامداد صنایع و مدیریت مشابه و در سطح جغرافیایی (چه شهری و چه کشوری) با هم متحد شوند و نیروی طبقاتی خود را در مقابل قشر طفیلی و فاعلای روحانی-سالا رها کند، ایران قرار دهند، در آن صورت مبارزه کارگران لهستان علیه قشر دیوانسالاران حاکم کشور خود، طنین جهانی و معنای روشن تری را خواهد یافت.

بنابراین وقت آن رسیده که شوراهای صنایعی نظیر فولاد، نفت، برق، راه آهن و غیره ایجاد شوند و در سطح شورای مرکزی، هماهنگ گردند و شورای کارخانه ها در شهرهای صنعتی نظیر تهران، اصفهان، اهواز، تبریز، مشهد، شیراز و غیره در سطح شهری و سراسری متحد شوند. شوراهای مرکزی، کنفرانس های شهری و کنگره های سراسری شوراهای میبایست ایجاد و فراخوانده شوند و از لُخ والیا باسک کاربون و دیگر رهبران جنبش کارگری لهستان برای شرکت در آنها دعوت بعمل آورند. تا تجارب جنبش کارگری لهستان در اختیار نهضت شورایی ایران قرار گیرد و پیغام همبستگی کارگران ایران به صورت رسا و موثر به گوش خواهران و برادران کارگر لهستانی رسانده شود. ■

است. بنابراین سرنگونی این قشر دیوانسالاران جایگزینی آن با دولت شوراهای آزاد کارگران و زحمتکشان، مرکزی ترین تکلیف جنبش کارگری لهستان را تشکیل می دهد. انقلاب لهستان، سرنگونی استالینیزم حاکم و استقرار سوسیالیسم دموکراتیک را در دستور کار خود قرار داده است. براد دست یابی به اهداف بالا، کارگران لهستان، طی یک سال گذشته دست به اعتصاب عموس و گرد همایی های تودهای متعدد زد مانند، در اکثر کارخانه ها، کمیته های اعتصاب را بوجود آورده و آنها را هماهنگ نموده اند و علیه سرخشی های دولت کمونی، موفق شده اند تا اتحاد به سراسری خود را تحت عنوان اتحادیه "همبستگی" کارگران لهستان ایجاد کنند. اما وظیفه کارگران بیشتر ایران به صرف شناخت ماهیت طبقاتی، اهداف کارگری و دست آورد های انقلابی جنبش کارگری لهستان خلاصه نمی شود. پشتیبانی از مبارزات کارگران لهستان، از جمله مهم ترین وظایف جنبش کارگری ایران را تشکیل می دهد. اما راستی، شوراهای کارخانه در ایران چگونه می توانند همبستگی خود را با کارگران لهستانی ایسراز نمایند.

همبستگی با جنبش کارگری لهستان مستلزم گسترش جنبش کارگری در ایران است. اگر شوراهای کارگری در ایران به صورت یکپارچه و متحد، خواست ۴۰ ساعت کار و ۲ روز تعطیلی در هفته را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار دهند، عملا جبهه نبرد برای کاهش ساعات کار در ایران نیز گسترش خواهد یافت، و در آن صورت کارگران لهستان در صحنه جهانی از انزوای سیاسی بدر خواهند آمد.

انقلاب کمونی لهستان، در مرکز توجه کارگران جهان و منجمله ایران قرار دارد. طی یک سال که از عمر انقلاب لهستان می گذرد، علاقه کارگران بیشتر ایران نسبت به خصلت طبقاتی تکالیف انقلابی و درس های مبارزاتی انقلاب مزبور بیشتر و بیشتر می شود.

امروز هرچه روشن تر شده است که علیه رژیم دورغ بردازی های حزب توده، مکتبیون و لیبرالهای ایران، نهضت کارگری در لهستان در جبهه حفظ و گسترش دست آورد های انقلابی سوسیالیستی در آن کشور به پیش می رود. کارگران لهستان خواهان لغو مالکیت عموس بر وسائل تولید، اضمحلال انحصار تجارت خارجی و انحلال سیستم اقتصاد با برنامه نبودن است. در عوض، آنها، مبارزه علیه گرانی و تورم را دنبال کرده اند. خولستار ۴۰ ساعت کار و ۲ روز تعطیلی در هفته بودماند. خواهان آنند که دولت بوروکراتیک لهستان حق اعتصاب و حق ایجاد اتحادیه های مستقل کارگری (مستقل از دولت و از حزب کمونیست) را برسیبشاند. زندانیان سیاسی را آزاد کند، حقوق دموکراتیک را تامین و رسانه های گروهی را در اختیار عقاید و آرا گوناگون قرار دهد.

در مقابل مبارزات حقانی کارگران لهستان، قشری صاحب امتیاز از کارگزاران "عالی مقام" حزب کمونیست، دولت مردان فربه، بوروکرات های اداری، افسران ارتش، تکنوکرات ها و مدیران کارخانه — که قدرت دولتی را از دست شوراهای کارگری بد آورده و در چنگ خود متمرکز نمودماند — صف آرایی کرده اند. این قشر طفیلی همچون دمل چرکینی برگردانده دولت کارگری برنشته و آن را به انحطاط کشانده.

**برای چاپ و پخش
کارگران سوسیالیست
به کمک های مالی شما
نیازمندیم.**

کارگران مبارز، با توجه به بحران جامعه و ناتوانی هیات حاکم در رفیع آن، مخارج چاپ و پخش نشریات همچون سایر مباحثات زندگی بشکل سرسام آوری بالا رفته است. ما برای اینکه بتوانیم نشریه کارگران سوسیالیست را بطور مرتب بدست شما کارگران مبارز و زحمتکش برسانیم احتیاج به کمک های مالی شما داریم. نشریه کارگران سوسیالیست، نشریه ای است در خدمت پیشبرد مبارزات کارگران و زحمتکشان، نشریه ای است که برای کارگران مبارز و به کمک آنان نوشته می شود. اگر خواهان چاپ و پخش مرتب آن هستید کمک های مالی خود را از طریق فروشندگان نشریه بدست ما برسانید.

حداقل دستمزد . . .

است . نقش سرپرستان ، شورای اسلامی و مدیریت در تعیین میزان افزایش دستمزد هر کارگر و میزان ناساوی این افزایش در مورد کارگران مختلف .

اولا دولت جمهوری اسلامی سعی دارد که با گذشتن شورا و مدیریت کارخانه در کنار هم ، شورا را که می تواند به عامل قدرت کارگران در مقابل دولت سرمایه داری تبدیل شود به ابزاری در دست مدیریت ، در جهت سرکوب مبارزات کارگران و چرخاندن هرچه بهتر چرخ های کارخانه مبدل کند . آنها سعی می کنند که هرچه بیشتر شورا را از کارگران دور کرده و شورا های فرمایشی را جایگزین شورا های واقعی کارگران گردانند . چنانکه در خیلی از کارخانجات که سطح مبارزه کارگران به آنان اجازه اینکار را داده است ، به نقصد شورا را به یک بدنه تشریفاتی که عملا قدرتی ندارد تبدیل کرده اند . کارگران باید متحدانه علیه تشکیل چنین شوراهایی به مبارزه برخیزند و با انتخابات دموکراتیک و تحت کنترل مجمع عمومی کارگران شوراهای واقعی خود را بسازند . این شوراهای در هیچ زمینهای سازش یا سرمایه داران که به قیمت پایمال کردن منافع کارگران خواهد بود ، نخواهند پذیرفت .

ثانیا افزایش ناساوی دستمزد کارگران به تشخیص سرپرستان نماینده شورای اسلامی در صورتی که موجب نا کارفرمایان و مدیریت کارخانه بتوانند بدین وسیله رشوه بیشتری به دنبال خود در میان کارگران بپردازند و از طریق ایجاد افتراق در میان صفوف کارگران در کارخانه باعث شوند و از طرف دیگر شورای کارگران که در برخی از کارخانه ها زیر کنترل مجمع عمومی کارگران قرار ندارد امکان آن را بیابد که به افراد دور و بر خود سهم بیشتری دهد تا بتواند از طریق آنان در مقابل اعتراضات کارگرانی که شورا را نمایندگی خود نمی دانند بایستد . این چنین ، شورا می تواند در مقابل سرمایه خود و یا حتی در برخی موارد همکاری با سرمایه داران به بخششی از کارگران حق المسکوت پرداخته و مانع مبارزه متحد کارگران در مقابل شوراهای فرمایشی و سرمایه داران استثمارگر شود .

منظور از بیان این واقعیات ، بی احترامی و بیعت زدن به نمایندگان کارگران نیست ، اما از آنجا که در بیشتر کارخانجات ، کارشکنی های کارفرمایان ، انجمن اسلامی و کمیته دیوانه انتخابات دموکراتیک شورا دشوار گشته است و در ضمن این عوامل مانع از آن می شوند که مجمع عمومی کارگران تشکیل شده و اصلاح

سرمایه داران چگونه ارزش خارج می کنند ؟

چند روز پیش یکی از نمایندگان مجانس در نطق بیخ از دستور خود اعلام کرد که چند میلیون قوطی کسرو خالی ، به سراسر ایران در حرکت است . و این اعلامیه ایشان باعث تعجب خیلی زیادی شد . زیرا کسیه ایشان با نمی خواستند ، یا نمی دانستند ، یا نمی توانستند علت واقعی این واقعه در ظاهر بسیار مضحک را بیان کنند . ولی کسانی که با دوز و کذب های سرمایه داران برای جابول ملت مختصر آشنایی داشتند ، در همان جلسه اول فهمیدند که قضیه از چه قرار است .

واقعیت امر جز این نبوده است که عده ای از سرمایه داران اسلام حلال حور مقدار کلانی از برای وارد کردن کسرو (احتمالا برای جنک زدگان یا مصارف مشابه) خارج کرده و در باندهای خارجی به حساب پس انداز خود واریز کرده اند . و بعد ، برای باز پس گرفتن

شورا را تحت کنترل خود درآورد ، کارگران در ضمن مبارزه برای تشکیل شوراهای واقعی خود باید در مقابل وضع چنین قوانینی که افتراق در صفوف طبقه کارگر را سهل تر خواهد نمود ایستادگی کنند .

برای مقابله با شرایط سخت زندگی کارگران گرانی سرسام آور ، دستمزد کارگران باید متناسب با افزایش قیمت کالا های مصرفی افزایش یافته و بطور مساوی در مورد همه کارگران اجرا شود . هیچ نوع بهانه ای برای عدم افزایش دستمزدها قابل قبول نیست و نباید استثنایی در بین کارگران قائل شد . افزایش دستمزدها متناسب با افزایش قیمت ها بطور مستمر و در مورد همه کارگران باید صورت پذیرد .

حداقل دستمزد کارگران نیز باید به ۴۰۰۰ تومان در ماه افزایش یابد . این مبلغ با توجه به گرانی مایحتاج عمومی ، بالا رفتن اجاره بهای خانه ها و ۱۰۰٪ به زحمت تکافی حداقل زندگی را می کند و علاوه بر این دولت باید وسیله ایاب و ذهاب ، بهداشت کود و امکانات بهداشتی به صورت رایگان در اختیار کارگران بگذارد و حق مسکن ، حق عائله مندی و ۱۰۰٪ در اختیار کلیه کارگران اعم از زن و مرد ، موقت و بیمانی قرار بدهد . اما دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی بارها ثابت کرده است که نه تنها قادر به حل هیچ یک از مسائل موجود در جامعه از جمله گرانی سرسام آور و شرایط سخت زندگی کارگران نیست بلکه خود به بزرگترین مانع در راه حل این مسائل و پیشرفت انقلاب ایران گشته است . تنها کارگران و زحمتکشان ایران هستند که با اتحاد سراسری خود قادر به برداشتن

و دبعه خود به همان تعداد قوطی کسرو خالی تهیه کرده اند . و به احتمال زیاد تاکنون به عنوان قوطی کسرو واقعی به گمرک ایران تحویل داده و دبعه خود را نیز پس گرفته اند .

مشابه این قضیه قبلا نیز بسیار اتفاق افتاده است . همین جنسی ، پیش بود که عده ای ، مقدار زیادی ارز برای وارد کردن تخم مرغ جوجه دار خارج کردند . و پیش از دو تلت آن را به حساب خود در بانک های خارجی گذاشتند و با بقیه پول خود به همان تعداد تخم مرغ معمولی خریداری کرده و وارد کردند . و آن را به عنوان تخم مرغ جوجه دار از گمرک گذراندند و دبعه خود را نیز باز پس گرفتند .

و دولت مکتبی بی شک از این دزدولت ها اطلاع دارد . و حتی در مجلس نیز ، گاهی بدلیل مخصوص خویش ، بقبمی نفیسی به آنها اشاره می کند . ولی در مجموع ترجیح میدهد چشمان خود را ببندد و کاری به کار سرمایه داران مکتبی نداشته باشد .

موانع موجود و پاسخ گذن به مشکلات جامعه می باشند . کارگران با تشکیل شوراهای انقلابی خود و کوشش در جهت اتحاد سراسری شوراهای ، قدرت لازم را جهت سلب حاکمیت از سرمایه داران و نزول خواران جمهوری اسلامی بدست خواهند آورد . و در راه ایجاد زندگی نوین برای زحمتکشان ایران ، زندگی بری از فقر ، گرسنگی ، بی خانمانی و کار طاقت فرسا ، قدم خواهند گذاشت .

تعیین حداقل دستمزد کارگران بایستی در دست شوراهای کارخانه قرار گیرد . اتحاد شوراهای کارخانه در سطح شهری و در مقیاس کشوری ، آن چنان نهادی انقلابی است که می توانند حداقل دستمزد را به نفع کارگران و متناسب با میزان تورم تعیین نمایند . جای آن دارد که کنفرانس شوراهای کارخانته در شهرهای صنعتی و کنگره سراسری شوراهای کارخانه در سطح کشور فراخوانده شوند . تمامی اطلاعات مربوط به شاخص بهای کالا های مصرفی که در اختیار بانک مرکزی و دیگر نهاد های دولتی است باید در دسترس کنفرانس های شهری و کنگره سراسری شوراهای کارخانه قرار گیرند . کلیه اطلاعات مربوط به سود کارخانجات و واحدهای تولیدی که در اختیار دولت قرار دارند باید در معرض دید گرد همایی های شوراهای کارخانه قرار گیرند . اتحاد شهری و سراسری شوراهای کارخانه با توجه به نیاز کارگران ، با توجه به میزان تورم ، می توانند حداقل دستمزد را تعیین کند ، حداقلی که از ۴۰۰۰ تومان کمتر نباشد و متناسب با نیازهای خانوار کارگر و افزایش هزینه های زندگی هر سه ماه یکبار افزایش می یابد .

